

تعلیم و تربیت در

ایران باستان

رادی و دهش

پژوهش گر: فروغ شاهرودی
بخش پایانی



آداب اجتماعی

در حضور هم آب دهان بر زمین نمی اندازند.^۶ و نیز "خنده و شوخی در مجالس ایرانیان بسیار ناپسندیده است."^۷

ایرانیان بسیار ملزم به رعایت عفت و نجابت اند: "ایرانیان همیشه مایل هستند لباسی بپوشند که سر تا پای ایشان را فراگیرد و لذا اگر قسمتی از بدنشان از لباس خارج باشد آن را بی شرمی می دانند."^۸

هم چنین نقل است: "پارسی ها همسایه گان خود را از همه بیش تر محترم می دارند و پس از همسایه گان، مردمانی را که دورترند" گرمی می دارند.^۹

از جمله تعلیمات کودکان وظایف زندگی و آداب معاشرت بود. هرودوت می گوید: "ایرانیان با کمال دقت و احتیاط از سخنان بیپوده حذر می کنند و از کردارهای ناپسندیده هرگز سخن به زبان نمی رانند."^{۱۰} ایرانیان به هنگام غذا خوردن صحبت نمی کردند و قبل از موقع غذا همین که بر سفره می نشستند دعای برکت به اسم خدا می خواندند: من نام هرمز را می ستایم، زیرا که او مواشی (گله - رمه - چهارپایان) و زمین و درختان و آب را آفریده است. او است که به غذاها لذت داده و تمام خوبی ها را که از زمین روید، آفریده است.

ایرانیان به رسم سپاس گزاری از پروردگار خویش همواره پیش از آن که دستی بر غذاهای سفره دراز کنند، آیین نیایش به جای می آورند.

وقتی که شخص غذا را با دعای برکت تناول کند خرداد و مرداد نیز برای او برکت طلبند. گزنفون گوید: "ایرانیان در معابر و در انظار هرگز خوراک نمی خورند و نمی نوشند و در هنگام عبور از معابر و کوچه ها به اطراف نگاه بی جا نمی کنند."^{۱۱} هم چنین در رعایت احترام نسبت به هم دیگر فروگذاری نمی کردند. و به خاطر همین حفظ احترام است که گفته اند: "ایرانیان برای حفظ احترام یک دیگر هرگز

در اوستا و نوشته های پهلوی به کرات از رادی سخن رفته است و در آموزش آن دوران ملزم به تعلیم آن بودند. رادی نیز مانند تمام چیزهای نیک در آیین مزدیسنا، به صورت فرشته جلوه گر است. "رانا Rata نخست به معنی جود و بخشش است و دیگر نام فرشته ای است که پاسبانی راد و دهش و سخاوت با او می باشد."^{۱۲} این فرشته چند بار در اوستا ستوده شده است: "سپندارمز نیک راتای نیک و دوربیندهی مقدس مزدا آفریده را می ستاییم..."^{۱۳}

در اوستا آمده است که هر آن کس که مستمندی را دستگیر و بی نوایی را با دهش و بخشش خویش بنوازد، راتا، فرشته ای رادی و دهش، از او خشنود گشته میان او و اهورا مزدا میانجی شده گشایش و خوشی او را از پیشگاه اهورا مزدا درخواست کند. به دستگیری همین فرشته است که اهورا مزدا نیکوکاران را پاداش دهد.^{۱۴}



۱. بیشت ها، ج اول، ص ۱۰۱
۲. هفتن بیشت کوچک، فقره ۲
۳. فرهنگ ایران باستان، ص ۹۶
۴. اخلاق ایران باستان، ص ۸۲
۵. اخلاق ایران باستان، ص ۸۲
۶. همان جا، ص ۷۹
۷. همان جا، ص ۱۸۲
۸. اخلاق ایران باستان، ص ۸۲
۹. تاریخ زندگی اقتصادی روستاییان و طبقات اجتماعی ایران، ص ۲۶۹

ایرانیان پیوسته از سخنان بیهوده و رفتار ناشایست دوری می کردند.

به پرورش مواشی نیز در اوستا بسیار توصیه شده است و قربانی حیوانات ممنوع و حرام می باشد و "... کسی که از چارپا یا کوشش نگاهداری کند، آن کس در چمن راستی و منش نیک یعنی بهشت

می باید به فراخور او سه درخت کاشته شود.
چنان چه بیان شد، فرشته سپندارمز آرمئیتی، فرشته ی موگل زمین است. او "پیک رحمت و دستیار کشتکار است" ۱۳ و "هر که زمین را کشت و آباد کند... در سایه ی خشنودی او است" ۱۵.



کز نفون: ایرانیان هرگز در معابر و در حال حرکت چیزی نمی خورند و نمی آشامند و در کوچه ها و سر گذرها به خانه ها و اطراف به کنجاوی نگاه نمی کنند.



آموزش کشاورزی و دامپروری

بدون شک امور مربوط به کشاورزی و دامداری از جمله فعالیت های اساسی اقوام ایرانی بود و آن را وظیفه ای مذهبی می دانستند که خدا به آن ها سپرده بود. لذا از جایی مقدس ترین کارها شمرده می شد و از آغاز کودکی به آن توجه می کردند.

در آیین زرتشتی، زراعت و گله داری بسیار ستوده شده است و از جمله کارها و فعالیت هایی که اهورا مزدا دوست می داشته آبیاری، درخت کاری، گله داری و پرورش مواشی بوده است زیرا آنان که در این امور اقدام کنند، اهورا مزدا را در جنگ با اهریمن و نمای مظاهر آن کمک کرده اند. "هر کس غله بکارد، پارسایی می کارد، او دین مزدا یسنی را زیاد می کند..." ۱۰. علاوه بر این سفندارمز (زمین) از زراعت خشنود و از عدم آن ناخشنود شده، انتقام می گیرد: "ای سپینتمان زرتشت، هر آینه کسی که مرد پارسایی را با نیت خوب و پارسایی به کار زراعت و ادار نکند، سفندارمز یعنی زمین او را در تاریکی و بلا و عالم ناخواستگی که پر از علف و خار است می اندازد" ۱۱.

بودن و یا دیده شدن قسمتی از بدن انسان نوعی بی احترامی و بی شرمی به حساب می آمد. به همین منظور ایرانیان در انتخاب لباس و پوشیدن بدن تا حد وسواس احتیاط می کردند.



خندیدن بی جا و شوخی کردن، ناشایست ترین رفتار از نگاه ایرانیان است.



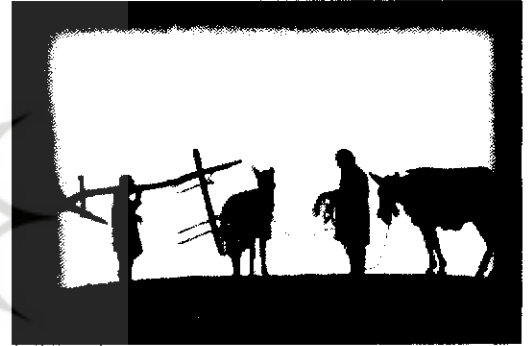
خواهد بود" ۱۲. لذا از مردمان خواسته شده است که نسبت به حیوانات مهربان و دل سوز باشند: "ما خواستاریم که تعلیم یافته گان و تعلیم نیافته گان، توانایان و ناتوانایان همه نسبت به جانداران مهربان باشند و خوراک و علوفه به آن ها بدهند" ۱۳.

رستنی های نیک و سودمند نیز گرامی اند. برای هر زرتشتی و به یاد بود او هنگام زاده شدن، زناشویی و مرگ

- ۱۰. وندیداد، باب ۲، فقره ۲۱
- ۱۱. وندیداد، باب ۳، فقره ۳۵
- ۱۲. یسنا، های ۲۲، فقره ۲
- ۱۳. خرده اوستا، هفتن یشت، ص ۶۷
- ۱۴. یسنا، های ۲۱، فقره ۱۰
- ۱۵. یسنا، های ۲۵، فقره ۴



به علاوه، شاهان هخامنشی "برای تشویق کشاورزان به هرکس که زمین بایری را آباد می کرد آن زمین را تا پنج پشت خاص او می کردند."^{۲۲}



- ۱۶. یشت ها، ج اول، ص ۹۵
- ۱۷. در اوستا، گئوش اورون geush-urvan
- ۱۸. یسنا، های ۲۹ فقره ۱
- ۱۹. وندیداد، فرگرد ۳، فقره ۲۴
- ۲۰. همان جا، فقره ۵
- ۲۱. سیر تمدن و تربیت در ایران باستان، ص ۲۵۲
- ۲۲. ایران باستان (پیرنیا)، ج ۲، ص ۱۵۰۲



"امشا سپند امر داد نیز نگهبان گیاه و رستنی است."^{۱۶} "گوشورون"^{۱۷} نیز روان چارپایان یا فرشته ای نگهبان جانوران سودمند است."^{۱۸} "سومین جایی که زمین شادمان ترین است، آن جایی است که یکی از خداپرستان بیشترین غله کشت کند و بیشترین میوه و گیاه بکارد."^{۱۹} هم چنین "چهارمین جایی که زمین شادمان ترین است آن جایی است که گله ها و رمه ها روز به روز به حداکثر افزوده شود."^{۲۰}

با وجود تمامی این سفارشات، علم کشاورزی و دامپروری با سرعت پیشرفت کرد و به خود جنبه ای آموزشی گرفت و در دوران هخامنشی و اشکانی یکی از آموزش های رایج بود و در دوره ساسانیان نیز در سطح علوم اولیه قرار گرفت. شاهان هخامنشی مردم را به امر زراعت تشویق می کردند. گزنفون می گوید: "شاه هخامنشی (کوروش) به دو گروه هدیه می داد: نخست آن هایی که خوب از عهده امور شهربانی برمی آمدند و دوم به آن هایی که برای آبادی و عمران مملکت می کوشیدند."^{۲۱}

